

ایران و درام نویسان بزرگ جهان

(۶)

دکتر مهدی فروغ
رئیس دانشکده هنرهای دراماتیک

موضوعها و مضمونهای ادبی و تاریخی ایران در آثار نمایشنامه‌نویسان معروف جهان

اکنون که به انواع مختلف کمدی در روم قدیم تاحدی آگاهی یافتیم بی‌مناسبت نیست که درباره تاریخ زندگی ادبی «پلوت» Plaute کمدی‌نویس معروف آن سرزمین و نویسنده نمایشنامه دختر ایرانی نیز به اختصار مطالبی بیان کنیم.

همانطور که مردم امروز از نمایشهایی که برفریب و خدعه و اشتباه بنا شده لذت می‌برند مردم روم قدیم هم از مشاهده این موضوعها در روی صحنه نمایش مسرور میشدند.

تاریخ ادبیات روم را عموماً از سال ۲۴۰ پیش از میلاد شروع میکنند و این همان تاریخی است که نفوذ فرهنگ و فلسفه یونانیان در زندگی اجتماعی و هنری مردم روم مؤثر افتاده است. نمایشنامه‌هایی که «پلوت» نوشته همه بشیوه «فابولی پالیاتی» Fabulae Palliatae است و رومی‌ها این اصطلاح را در روم قدیم در مورد کمدی‌هایی بکار می‌بردند که بنا به اصول کمدی جدید در یونان قدیم نوشته میشد و اشخاص بازی در آن لباس یونانی بتن میکردند.

«پلوت» در حوالی ۲۵۴ پیش از میلاد بدنیا آمده و در حدود سال ۱۸۴ پیش از میلاد از جهان رفته و مشهورترین کمدی‌نویس عصر خود بوده است. افسانه‌های شیرین و پر آب و تابی درباره زندگی او نقل کرده‌اند. از جمله گفته‌اند که در جوانی مبالغه‌گفتی پول از طریق بازی در نمایش بدست آورده و با مؤسسات بازرگانی خارجی به تجارت مشغول شده ولی زبان‌دیده و ورشکسته شده و بی‌پول و بی‌بنا به شهر روم پناه برده و در ضمن اینکه در آسیایی بکار مشغول شده بنوشتن نمایشنامه پرداخته است.

با وجود اینکه مورخان متأخر قسمتهایی از این افسانه را رد کرده‌اند بهر حال بصیرت کامل «پلوت» در نمایشنامه‌نویسی و مراقبت او در تنظیم صحنه‌های کمدی، با رعایت دقیقترین اصول فنی و علائم و نشانه‌هایی که در آثارش حکایت از اطلاعات وسیع او در انواع سبکهای کمدی متداول آن زمان میکند همه گواه بر اینست که مدتی طولانی با صحنه و نمایش سروکار داشته و به احتمال قوی سالیانی در او ان جوانی در کمدیهای «فرس» Farce که تحت عنوان «فابولا اتلانا» Fabula Atellana معروف بوده بازی کرده است. این نوع کمدی عبارت بود از نمایشهای کوتاه خشن روستایی، توأم با آواز و رقص که اشخاص بازی در آن افراد ثابت، قراردادی از طبقات مختلف جامعه بودند. درست مثل نمایشهای روحوضی ماکه در آن افراد معینی از قبیل حاج آقا و نوکر عیار و سیاه و غیره شرکت دارند، اشخاص عمده بازی در این نمایشها عبارت بودند از «ماکوس» Maccus که دلک ابلهی بود و «بوکو» Bucco که موجودی فربه و پرخور و خودستا بود و «پاپوس» Pappus که پیر مرد خرفی بود و «دوسه نوس» Dossennues

که حیلہ گری شاید و گوزبشتی بود^۱. این نوع کمدی ازدوره‌ای بسیار طولانی در روم رواج و رونق داشته و حتی مدتها بعد از اینکه انواع دیگر تئاتر در روم از میان رفته همچنان مورد علاقه عامه مردم بوده است. از آنجا که این نمایشها ابتداء در شهر «اتالا» *Atella* واقع در ناحیه «کامپانیا» *Campania* رواج گرفته بدین نام نامیده میشده است.

این نمایشنامه‌ها عموماً خیلی کوتاه بوده و از سیصد مصراع تجاوز نمی‌کرده و صحنه نمایش عموماً در مناطق روستایی انتخاب میشده و موضوع آن هم حیلہ گری و خدعه و ارتباطهای منافی عفت و از این قبیل مسائل بوده است.

محققان معتقدند که «پلوت» در این نمایشها بازی «ماکوس» را، که دلک خرفی بوده بعهدہ می‌گرفته و بعداً همین کلمه را بصورت «ماکسیوس» *Maccius* بعنوان نام دوم برای خود انتخاب کرده است^۲.

گفته شده است که «پلوت» یکصد نمایشنامه نوشته و بیست و یکی از مجموع کمدی‌هایی را که بدو منسوب است بطور مسلم بقلم وی میدانند.

نمایشنامه‌های «پلوت» را نباید با معیارهای جدید سنجید زیرا کیفیت برگزاری نمایش در روم قدیم، هم با راه و رسم برگزاری نمایش در دوره معاصر تفاوت فاحش دارد و هم با شیوه نمایش در یونان در سده پنجم پیش از میلاد. رومیها در جشنهایی که در طی سال برای بازیهای مختلف می‌گرفتند و آنها را «لودی»^۳ *Ludi* مینامیدند گاهی بدادن نمایش نیز میپرداختند. این نمایشها در آغاز بین پنج تا نه روز وقت می‌گرفت ولی کم‌کم به چهل روز رسید. هرگاه در برگزاری این بازیها که جنبه شعائر مذهبی داشت نقص و ایرادی پیدا میشد قضای آنرا بجا

۱ - مطالعه دقیق انواع مختلف کمدی روم قدیم از دولحاظ برای دانشجویان ادبیات دراماتیک در ایران ممکن است مفید باشد. یکی از لحاظ مطالعاتشان درباره کمدی در قرن شانزده و هفده در کشورهای اروپا که تحت نفوذ کمدی روم بوجود آمده است و یکی هم از لحاظ شباهتهای زیادی که این کمدها از جهات مختلف با نمایشهای روحی ما دارد. با ارتباط سیاسی و نظامی و فرهنگی و اجتماعی که طی متجاوز از شش هفت قرن بین دو کشور پهناور و عظیم ایران و روم وجود داشته، کیفیت انتقال این نوع نمایش به ایران نه تنها بعید بنظر نمی‌رسد بلکه حتی است.

۲ - *Nomen* رومیها در قدیم سه نام برای خود انتخاب میکردند که دومی در حقیقت نام قبیله ایشان بود.

۳ - بنظر این نویسنده کلمه لوطی و همچنین کلمه لود که بیشتر در فارسی معمول است و هر دو بمعنی مسخره و مضحک و دلک بکار می‌رود از این کلمه «لودی» گرفته شده است و منسوب ساختن لوطی به لوط برادرزاده ابراهیم خلیل الله و قوم لوط بنظر صحیح نمی‌آید.

می‌آوردند. شاید هم علاقه مفراطی که مردم باین نمایشها از خود نشان میدادند موجب تکرار آنها میشده است. نمایشنامه «سرباز لافزن»^۴ از نوشته‌های «پلوت» بقدری مورد علاقه و توجه واقع شد که در یک جشن هفتاد مرتبه تکرار شد.

اما نمایشنامه «دختر ایرانی» کم‌دی سرگرم‌کننده‌ایست که اشخاص بازی در آن همه از افراد بسیار پست و حقیر جامعه قدیم روم انتخاب شده‌اند یعنی چند غلام و یک برده فروش و دلال محبت و یک انگل یا مفتخوار جامعه و یک زن روسی و از این قبیل. داستان نمایش درباره فریب خوردن یک دلال محبت، و شیاد و حیل‌گری یک غلام با کمک یک انگل و دختر اوست. عده‌ای از محققان معتقدند که این نمایشنامه در اصل متعلق به یک نویسنده یونانی بوده که هنوز شناخته نشده و «پلوت» طبق معمول داستان را از وی اقتباس کرده است.

نمایشنامه دختر ایرانی در پنج پرده تنظیم شده است باین شرح:

پرده اول - صحنه واقع در شهر آتن در جلو خانه شخصی اتفاق می‌افتد که در سفر است و غلامش «توکسیلوس» *Toxilus* نام از خانه‌اش حفاظت میکند. این غلام دلباخته یک زن روسی است بنام «لمنی سه له نیس» *Lemniselenies* که در اختیار دلال محبتی است بنام «دوردالوس» *Dordalus*. اینها همه در همسایگی یکدیگر زندگی میکنند.

«توکسیلوس» برای رسیدن به وصال زن روسی نیاز به پول دارد. رفیقش «ساگاریستیو» *Sagaristio* که او نیز غلام است قول میدهد که برای وی پول تهیه کند.

در این موقع «ساتوریو» که انگل «توکسیلوس» است وارد میشود. «توکسیلوس» حیل‌های طرح میکند باین شرح: باین مرد پیشنهاد میکند که دختر خود را برای مدتی به وی قرض بدهد. انگل می‌پذیرد سپس در جستجوی مردی برمی‌آید که او را بعنوان یک مرد اجنبی معرفی نماید و وانمود کند که این مرد یک ایرانی است و دختر مزبور را از کشور ایران ربوده و قصد فروش او را دارد. می‌خواهد با این حیل دختر را به دلال محبت بفروشد و از پولی که باین وسیله تحصیل میکند منظور خود را که ازدواج با زن روسی است عملی سازد و بعد در صدد آزاد ساختن دختر برآید.

در پرده دوم - پیغام و نامه‌ای بین «توکسیلوس» و زن روسی رد و بدل میشود. در این ضمن «ساگاریستیو» دوست «توکسیلوس» خبر خوشی می‌آورد و آن اینست که اربابش به او پول داده که چند چهارپا برای او خریداری کند ولی او حاضر است پول را در اختیار دوست خود بگذارد و «توکسیلوس» با آگاهی از این امکان به معشوق اطمینان میدهد که کارها بزودی سامان خواهد پذیرفت.

در پرده سوم - «ساتوریو» یعنی همان انگل با دخترش که به لباس دختر ایرانی درآمد وارد میشود. دختر مایل نیست در این غائله دخالت داشته باشد ولی موظف است بدستور پدرش عمل کند. همه بخانه «توکسیلوس» می‌روند. در این موقع دلال محبت وارد میشود و «توکسیلوس» پولی را که فراهم شده به وی میدهد.

مقرر میشود که دختر روسی ابتدا طبق قوانین جاری کشور آزاد شود و بعد تسلیم «توکسیلوس» گردد.

در پرده چهارم «توکسیلوس» دوست خود را در لباس ایرانی و دختر «ساتوریو» را هم در لباس ایرانی بسوی بندرگاه می‌فرستد.

برده فروش یعنی همان دلال محبت وارد میشود و «توکسیلوس» نامه‌ای به وی میدهد. در این نامه چنین وانمود شده که ارباب «توکسیلوس» به غلام خود از ایران نامه نوشته و در آن سفارش این زن و مرد ایرانی را به وی کرده و تأکید نموده است که «توکسیلوس» کمک کند تا

۴ - این نمایشنامه را آقای محمد پایگاه دانشجوی دانشکده هنرهای دراماتیک بانضمام نمایشنامه دیگری بنام «کوزه طلا» از پلوت بفارسی ترجمه و چاپ کرده‌اند.

مرد ایرانی دختری را که از ایران ربوده بفروشد. برده فروش مایل نیست دختری را بدون داشتن عنوان رسمی خریداری کند. ولی در این موقع که دختر را نزد او می‌آورند بقسمی تحت تأثیر زیبایی جمال او قرار میگیرد که فوری برای خریداری او آماده میشود و پول را در اختیار فروشنده دختر میگذارد و فروشنده پس از گرفتن پول فی الفور خارج میشود. در این موقع «ساتوریو» داخل میشود و ادعای دختر خود را میکند و تهدید مینماید که برده فروش را به دادگاه خواهد کشید.

در پرده پنجم «توکسیلوس» مجلس جشنی برای خود و معشوقش و دوستش فراهم کرده است. برده فروش داخل میشود و از اینکه پولش را از کفش درآورده اند خشمگین است. ولی رفیق «توکسیلوس» را که بصورت فروشنده دختر به لباس ایرانی درآمده بود میشناسد و قبول میکند که فریب خورده و صحنه با خنده و شادمانی پایان می‌یابد.

حال بی‌مناسبت نیست چند کلمه هم درباره ارزش و اهمیت ادبی و فنی این نمایشنامه

بیان کنیم:

این نمایشنامه از آغاز تا انجام پراست از گفتگوهای پرطنز و لطیفه‌های سنجیده و همانطور که از مردم این طبقه انتظار می‌رود عبارات ریگ و حتی قبیح هم البته در آن فراوان است. عبارات زیرکانه و صریح و پرهیجانی که بین خدمتگزار زن روسپی و غلامبچه «توکسیلوس» (در صحنه دوم پرده دوم) ردوبدل میشود بهترین نمونه حاضر جوابی و نکته سنجی در آثار «پلوت» است. «پلوت» مخصوصاً این دو موجود را که وجودشان در متن داستان کاملاً ضروری نیست بعنوان واسطه بین عاشق و معشوق بواقع افزوده است تا با مکالمات تند و پرطنز ایشان تماشاکنان را بیشتر محظوظ سازد. انگل در این نمایشنامه و نمایشنامه‌های دیگر «پلوت» و سایر نویسندگان رومی همانست که در بعضی از نمایشهای روحوی و مخصوصاً در رقصهای قدیم در ایران برای تفریح و سرگرمی تماشاکنان بکار برده میشد. دختر «ساتوریو» جالب توجه‌ترین اشخاص بازی در این نمایشنامه است. این شخص بازی چه در لباس عادی خود و چه در لباس یک دختر ایرانی بی‌اندازه توجه تماشاکنان را بخود جلب میکند. دختری است با شرم و محجوب و این حالت در مقابل خشونت و فرصت‌طلبی پدرش تضاد مطلوبی بوجود می‌آورد. بازی او در لباس دختر ایرانی در صحنه چهارم پرده چهارم بسیار زیباست. تعبیراتش همه با هوشمندی و ظرافت است و آنچه میگوید دوپهلوی و پرازبهاست در حالی که هرگز از بیان حقیقت خارج نمیشود ولی برده‌فروش از درک ظرافت و نکته سنجی او عاجز است. با وجود اینکه به اصرار و فشار پدر باین کار تن در میدهد هرگز از طریق صحت و امانت و شرافت خارج نمیشود. این دختر در تمام کمدهای رومی از همه مطلوبتر و جالب توجه‌تر است.

در پرده چهارم صحنه سوم در نامه‌ای که از ارباب «توکسیلوس» رسیده شرح تسخیر شهر «کریستوپولیس» Chyrysopolis بدست سپاهیان ایران و غنائم فراوانی که بدست ایشان افتاده است بیان میشود و این از جمله دلایلی است که بعضی از محققان را باین معتقد ساخته است که این نمایشنامه را قبلاً یک یونانی نوشته است زیرا شهر مزبور که بعداً «اسکوتاری» نامیده شده و امروزه «اوسکودار» خوانده میشود بندری است در ساحل بغاز سفر در مقابل استامبول. بنابراین چنین نتیجه گرفته‌اند که این نمایشنامه در موقعی نوشته شده که ایران تمام سواحل آسیای صغیر را در تصرف خود داشته است یعنی در دوران سلطنت سلسله هخامنشی.

اما عده‌ای از محققان نیز معتقدند که چون موضوع خود نامه خیالی و ساختگی است محتویات آن نیز باید ساختگی تلقی شود.